

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی تاریخ فلسفه

سال هشتم، شماره اول، تابستان ۱۳۹۶ [پیاپی ۲۹]

مدیر مسئول: آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای
سر دبیر: دکتر حسین کلباسی اشتری
مدیر اجرایی: مهدی سلطانی
ویراستار فارسی: فاطمه محمد
صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فلسفه
ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا
مترجم انگلیسی: دکتر رؤیا خوبی
ویراستار انگلیسی: دکتر علی نقی باقرشاهی

اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
محمدتقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران
احد فرامرز قراملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی
فتح‌الله مجتبایی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلاهی بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی (ره)، ساختمان شماره ۱۲.

صندوق پستی: ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ **تلفن:** یگیری مقالات: ۸۱۵۳۲۲۱؛ اشتراک و فروش: ۸۱۵۳۵۹۴

مرکز تدوین: ۸۱۵۳۴۹۴؛ **نمبر:** ۸۸۴۹۳۸۰۳

www.hop.mullasadra.org **Email:** SIPRIIn@mullasadra.org

شاپا: ۲۰۰۸-۹۵۸۹

براساس ابلاغیه شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور، فصلنامه تاریخ فلسفه دارای درجه علمی پژوهشی است. این فصلنامه در پایگاه‌های: ISC, Philosopher's Index و noormags نمایه میشود.

راهنمای تدوین مقاله

۱. فصلنامه تاریخ فلسفه نخستین نشریه تاریخ فلسفه در ایران است و مقالاتی را منتشر خواهد کرد: به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشد و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی بدیع باشد.
۲. مقالات باید در حوزه تاریخ فلسفه و علوم عقلی، مطالعات تطبیقی، ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، یا سایر موضوعات تخصصی تاریخ فلسفه باشد.
۳. فصلنامه تاریخ فلسفه از مقالات برگرفته از آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، با رعایت استنادات و ضوابط علمی مقرر، استقبال میکند.
۴. مطالب منتشر شده در فصلنامه تاریخ فلسفه بیانگر نظر و عقیده نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه نشریه نیست.
۵. مقالات برگردان از زبانهای غیر فارسی یا مقالاتی که در جایی دیگر منتشر شده باشند، یا همزمان به نشریه دیگری ارائه شده باشند، بطور کلی مورد بررسی قرار نخواهند گرفت.
۶. هیئت تحریریه فصلنامه در پذیرش، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است. همچنین ارسال مقاله به این فصلنامه بمنزله واگذاری حق تجدید چاپ مقالات منتشر شده به فصلنامه نیز هست و فصلنامه حق دارد چنانچه لازم باشد، نسبت به تجدید چاپ این مقالات بزبان فارسی یا هر زبان دیگری اقدام نماید.
۷. نویسندگان محترم باید مقالات خود را به آدرس الکترونیکی siprin@mullasadra.org ارسال کنند یا لوح فشرده حاوی فایل مقاله را به همراه نسخه مکتوب مقاله ارائه دهند. لازم است همراه مقاله، نامه‌ی مبنی بر درخواست بررسی و انتشار مقاله که حاوی اطلاعات دقیق: رتبه علمی، محل فعالیت، نشانیهای تماس (آدرس، تلفن، تلفن همراه، نمابر، ایمیل) و مختصری از سابقه فعالیت پژوهشی مؤلف ارائه شود.
۸. مقالاتی که به آدرس الکترونیک فصلنامه ارسال میشوند، در بخش «subject» پست الکترونیکی، عبارت «مربوط به فصلنامه تاریخ فلسفه» ذکر گردد.
۹. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
۱۰. حجم چکیده مقالات حداکثر ۱۵۰ کلمه و اصل مقالات حداکثر ۶۰۰۰ کلمه و در محیط word تایپ شده باشد.
۱۱. مقالات دریافتی بهیچوجه مسترد نخواهد شد.
۱۲. فرایند ارزیابی مقالات دریافتی بشرح ذیل خواهد بود:
ویراستار علمی ← دو نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله ← هیئت تحریریه ← سردبیر.
بدیهی است مقالاتی که در هر یک از مراحل فوق بتأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.
۱۳. پیگیری نتیجه ارزیابی مقالات بر عهده مؤلف (مؤلفان) است.

شیوه ارجاع دهی و ارائه مباحث فرعی تکمیلی:

- هرگونه مطلب توضیحی و تکمیلی که ارتباط مستقیمی با محور مقاله نداشته باشد، باید بصورت پی‌نوشت ارائه شود.
- ارجاعات در فصلنامه تاریخ فلسفه باید بصورت پی‌نوشت با ذکر «نام مؤلف، نام منبع مورد استفاده، شماره صفحه» ارائه شود.
- ذکر مشخصات کامل کتابشناسی منابع، در فهرست منابع ضروری است.
- منابع غیر فارسی به همان زبان اصلی باید قید شوند.



سخن سردبیر..... ۵

ماهیت مکان در تاریخ فلسفه اسلامی

عبدالرسول عبودیت..... ۷

رهیافت تطبیقی به منابع معرفتی از مکتب حِلّه (ابن ابی‌جمهور احسائی)
تا مکتب اصفهان (ملاصدرا)

رضا رضازاده، سمیه منفرد..... ۴۱

درآمدی بر فلسفه «تاریخ فلسفه»

مسعود امید..... ۶۳

جدال دراماتیک قانون و عدالت در کوریتوری افلاطون

عبدالرسول حسینی‌فر، سیدمحسن علوی‌پور..... ۸۱

نقش مسیحیت در بازگشت فلسفه یونانی به ایران عصر ساسانی

زهرا عبدی..... ۱۰۱

تطور تاریخی نگرشها در مسئله عوارض ذاتی از ملاصدرا تا محقق
رشتی (۱۰۵۰ تا ۱۳۱۲ ه.ق.)

موسی ملایری..... ۱۲۱

نسبت میان زبان و واقعیت در افلاطون قرآنی از کراتولوس افلاطون در
پرتو تمثیلهای سه‌گانه جمهوری

حسن فتحی، ابوبکر سلیمان‌پور..... ۱۴۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه در هر زمان و مکانی که ظهور یافته، بی‌شک با کلیت روحی و قومی و یا جوهری از فرهنگ و نحوه زیست و باور ساکنان آن نسبت داشته است. اما تصدیق و تفصیل این امر چندان هم ساده نیست و برای نمونه میتوان پرسید ظهور عناوینی چون «فلسفه هندی»، «فلسفه چینی»، «فلسفه ژاپنی»، «فلسفه آفریقایی» و مانند آن و راهیابی آنها در گفتمان تاریخی و اجتماعی یکی دو دهه اخیر دقیقاً به چه معناست؟ آیا پسوندهای قومی و جغرافیایی به واژه فلسفه، نشان از ویژگیها و اختصاصاتی دارد که در سایر اقوام و فرهنگها دیده نمیشود؟ آیا اساساً فلسفه میتواند به حوزه جغرافیایی خاصی تعلق داشته باشد و در اینصورت رواج اصطلاحات «فلسفه غربی»، «فلسفه شرقی»، «فلسفه اروپایی» یا «فلسفه ایرانی» چه ممیزاتی را افاده میکند؟ به فرض وجود این فلسفه‌ها در ساحت نظر و وجدان، نشان و تأثیر خارجی آنها چگونه و کجاست و مؤدّی به چه نتایج و پیامدهایی در زندگی و عمل - بویژه در عالم کنونی - گردیده است؟ پاسخ بدین پرسشهایی از ایندست، چندان آسان نمینماید، زیرا این اصطلاحات مرکب، تصوراً و تصدیقاً به روشن شدن مفاهیم بسیط آنها قیام دارد و پس از ایضاح و روشنی باید پرسید تفصیلاً چه امکاناتی را فراروی ذهن می‌گشاید.

تردیدی نیست وجهی از این موضوع، به ظهور بحران در فلسفه و فرهنگ غربی بازمیگردد؛ یعنی همان زمینه یا زمینه‌هایی که سبب تحول در مطالعات شرق‌شناسی و اقبال به عناوینی چون «فلسفه تطبیقی» گردید. تا قبل از قرن بیستم، اصطلاح «فلسفه چینی» شاید بی‌معنا و مهمل مینمود، اما از زمان اعلام بحران در فلسفه غرب و سیطره نیست‌انگاری برآمده از آن، توجه به امکاناتی متفاوت از امکانات فعلیت یافته و تمامیت تفکر غربی رونق گرفت. از نشانه‌های بارز آن، همین رونق فلسفه تطبیقی، ادیان تطبیقی و عناوین مشابه با آنهاست که در بطن خود به جستجوی افق یا افقهای

۵



دیگری در پایان تاریخ تجدّد نظر دارد. اینکه این جستجو از سنخ نگاه تاریخی است یا پدیدارشناختی و آیا میتواند به خروج از فروستگی این عالم مددی برساند یا خیر، موضوعی است در خور تأمل و البته هنوز به مرحله آزمون توانمندی خود نرسیده است. از سوی دیگر، واژگان مذکور، حاوی واکنش و البته اعتراضی است به هژمونی فلسفه معاصر و بروز نارساییها و تعارضات درونی آن که بویژه در خارج از مرزهای اروپایی و آمریکایی آن خود را آشکارتر میسازد. این وضعیت، وضعیت پیچیده‌یی است که طرد و تمنای فلسفه غرب را توأمان با خود دارد، اما در عین حال فرصتی است مغتنم برای حیات دوباره فرهنگهای کم‌جان یا بی‌جانی که در زیر بار سنگین فرهنگ مصرف و تکنیک دنیای مدرن به فراموشی سپرده شده‌اند. در این میان، التفات جدی و پرسشگرانه نسبت به «فلسفه ایرانی» شایسته و بایسته است؛ هرچند در آغاز از پیرایه‌های ناسیونالیسم و قوم‌گرایی و تعصب ملی باید خالی شود و هرچند ظرفیت این فلسفه در مواجهه با پرسشها و نیازهای بشر امروز مبهم است. «فلسفه ایرانی» از این امتیاز بزرگ برخوردار است که نه واکنشی است به سیطره فلسفه غربی و پیامدهای آن و نه پدیده‌یی است بی‌ریشه و تاریخ. اکنون میتوان بمدد پژوهشهای دقیق تاریخی و زبان‌شناختی، شواهد و قرینه‌های متعددی از وجودشناسی، کیهان‌شناسی، اخلاق و بطورکلی حکمت عملی این فلسفه را که بر محور نور و ذوق و اشراق روحی و باطنی است، تشخیص داد؛ چنانکه گروهی از ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان و مستشرقان دوره اخیر نیز سخت بدان روی آورده‌اند. آگاهی ما از حکمت خسروانی، حکمای فرس و حکمت مغان در قیاس با میراث بزرگ و سترگ آنان بسیار اندک است. امتیاز دیگر این سنت حکمی آن است که از آفت قومی و محدودیت جغرافیایی مبرا است و به پهنه وجود و ساحت ظهور آفریدگار چشم دوخته است. «فلسفه ایرانی» هرچند بظاهر در قلمرو پژوهشهای اهل فلسفه می‌گنجد، اما با اطمینان میتوان گفت اهالی تاریخ و ادب و هنر و سیاست و اخلاق را نیز به جستجوی زوایا و امکانات خویش فرامیخواند. امید که محققان و دانشمندان جوان ما به شناخت و معرفی این میراث و سنت غنی اهتمام ورزند و محصلان و دانشجویان را به کاوش در مدارک و اسناد و گواهیهای تاریخی آن فراخوانند.

سردبیر



ماهیت مکان در تاریخ فلسفه اسلامی

عبدالرسول عبودیت*

چکیده

مکان ویژگیهای شناخته شده‌ی دارد که همه متفکران پذیرفته‌اند؛ مانند اینکه مکان ظرف متمکن است، متمکن مکان را پر میکند؛ امکان ندارد دو متمکن در یک زمان و در یک مکان وجود یابند، متمکن میتواند با حرکت مکان را طلب کند یا آن را ترک کند، مکان، قابل انقسام به مکانهای کوچکتر است و... از اینرو، وجود مکان در خارج امری بدیهی تلقی شده است. اگر اختلاف نظری وجود دارد، در ماهیت مکان است؛ اینکه آن شیئی که دارای ویژگیهای پیش گفته است، چیست. در این میان، آرائی وجود دارد که بوضوح با برخی از این ویژگیها سازگاری ندارد و از اینرو مردود شناخته شده است؛ مانند اینکه مکان جسم همان ماده جسم یا همان صورت آن است و... . رأی ارسطو بیش از همه مقبول افتاده و فارابی و ابن سینا آن را پذیرفته‌اند. ایشان برآنند که مکان سطح درونی جسم حاوی است که با سطح بیرونی جسم محوی مماس است. پس از این رأی، نظری که مکان را بعد مجرد میدانند در میان فیلسوفان نامدار طرفدارانی دارد. رأی برخی متکلمان مبنی بر اینکه مکان همان فراغ متوهم است، چون همان قول به خلأ است، از نظر فیلسوفان مردود است. سرانجام، با دیدگاه فیلسوفان متأخرتر مواجهیم که مکان را به حجم تأویل کرده‌اند.

۷

کلیدواژه‌ها: بعد مجرد، بعد مفطور، فراغ متوهم، بعد موهوم، حجم منتزع

* * *

* استاد فلسفه و کلام اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ a.oboudiat@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۵



رہیافت تطبیقی بہ منابع معرفتی از مکتب حلہ (ابن ابی جمهور احسائی) تا مکتب اصفہان (ملاصدرا)

رضا رضازادہ^۱، سمیہ منفرد^۲

چکیده

ابن ابی جمهور احسائی بہ قصد سازگاری میان کلام (معتزلی و اشعری)، فلسفہ (مشائی و اشراقی) و تصوف با تأثیر از متفکران مکتب کلام فلسفی حلہ «رہیافتی تطبیقی» را برگزید و بدین ترتیب، از منظر روش شناختی، راہی متمایز را ترسیم کرد کہ با فاصلہ حدود دو سده پس از این بہ مکتب حکمی اصفہان پیوست. هدف اصلی این جستار کندوکاو در برخی زمینہ‌ها در باب تطبیق دستاوردهای سہ منبع معرفتی عقل، کشف و وحی در متن و بطن جریانات اندیشہ عقلی شیعی از یکسو و سپس بسط دامنه آن تا مکتب اصفہان (و بطور مشخص حکمت صدرایی) از سوی دیگر است. برای دستیابی بہ این هدف، ابتدا میکوشیم تا بہ بررسی نقش وحی، قلب و عقل بعنوان سہ منبع مهم معرفتی در معرفت‌شناسی احسائی پردازیم و در انتها ہمین نقش را بطور اجمالی و مقایسه‌یی در حکمت صدرایی بررسی نماییم.

۴۱ **کلیدواژه‌ها:** ابن ابی جمهور احسائی، ملاصدرا، رہیافت تطبیقی، مکتب حلہ، مکتب اصفہان

* * *

۱. استادیار گروه فلسفہ و کلام اسلامی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)؛ rezakashany@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفہ و کلام اسلامی دانشگاه ایلام؛ somayehmonfared23@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۱۱

سال هشتم، شماره اول

تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۴۱-۶۲



درآمدی بر فلسفه «تاریخ فلسفه»

مسعود امید*

چکیده

موضوعیت تاریخ فلسفه و پرسش از آن در عین حال که زمینه‌هایش در گذشته وجود داشت، اما یکی از مسائل نوپدید است که در دو قرن اخیر، ذهن و زبان فیلسوفان را بشدت بخود مشغول داشته است. اینکه معنا و ماهیت تاریخ فلسفه چیست؟ مقام ثبوت و اثبات آن کدام است؟ امری پایان یافته است یا در شرف شکلگیری و بسط است؟ نسبت ما با آن چیست و در قبال این نسبت چه باید باشد؟ تاریخ است یا فلسفه یا از سنخ فلسفی است؟ تفاوت آن با تاریخ علم و دین و هنر و... چیست؟ و... همه سؤالات برجسته در زمینه تاریخ فلسفه هستند.

نوشتار حاضر بر آن است تا بدلیل توجه به مسائل مربوط به تاریخ فلسفه (در ایران و جهان) و وسعت یافتن آنها، ضمن موضوعیت دادن بدان در قالب عنوان «فلسفه تاریخ فلسفه»، به مباحثی چند در باب آن بپردازد. در گذشته در عالم فلسفه، از فلسفه نظری تاریخ و فلسفه علم تاریخ سخن بمیان آمده، اما بنظر میرسد که امروز وقت آن است تا در باب «فلسفه تاریخ فلسفه» نیز سخن بگوییم، اساسیترین مباحثی که در این نوشتار در باب فلسفه تاریخ فلسفه

۶۳

* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز؛ Masoud_omid1345@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۶



مطرح میشود است عبارتند از: جایگاه آن در شاخه‌های فلسفی و امکان و ضرورت و مطلوبیت آن، در نهایت بنظر میرسد که میتوان فلسفه «تاریخ فلسفه» را بعنوان زمینه مطالعاتی یا شاخه جدیدی از فلسفه‌های مضاف در نظر گرفت و حتی واحدی درسی دانشگاهی با این عنوان تدارک دید.

کلیدواژه‌ها: تاریخ فلسفه، نگاه فلسفی به تاریخ فلسفه، فلسفه تاریخ فلسفه، امکان، ضرورت، مطلوبیت، مسائل

* * *

مقدمه

اگر تاریخ فلسفه را همچون رودخانه‌یی بینگاریم باید بگوییم که آن نه رودخانه‌یی فصلی و نه رودخانه‌یی است که آرام و قراری داشته باشد و حتی شاید بتوان گفت که رودخانه‌یی هم نیست که بتوان دو بار به یکسان در آن به شناگری/ جستجوگری فلسفی پرداخت؛ چرا که تا بخواهیم نخستین سیر خود را در تاریخ فلسفه به اتمام برسانیم، جریانی از آب جدید و اندیشه نو از کوهساران اندیشه فیلسوفان بر بستر این رودخانه خروشان جاری میگردد. بر همین اساس است که به فیلسوفان توصیه میشود تا در چنین رودخانه نو به نو و خروشان، به شناگری جستجوگری پیوسته، در طول و عرض و عمق آن، دست یازند. اما اندیشه عمیق فلسفی لازم می‌آورد تا در مواقعی، یک فیلسوف، لحظاتی از شناگری دست بشوید و به ساحل نشینی نیز تن دهد. این ساحل نشینی بمعنای دست شستن از اندیشه فلسفی و منزل گزیدن در ساحلی ساکن و رخوت‌آور نیست، بلکه سرآغاز نوعی دیگر از اندیشه فلسفی است؛ یعنی تفکر در باب کل رودخانه فلسفه. در این مقام، فیلسوف، کل جریان را مورد پرسش قرار میدهد و از شکل کلی و طول و عرض و سرعت و پیچها و ورودیها و خروجیها و مبدأ و مقصد و... این رودخانه سؤال میکند. در این مقام، فیلسوف نه در نقش یک بازیگر در درون تاریخ فلسفه، بلکه بعنوان یک تماشاگر در بیرون آن ظاهر میشود. بنظر میرسد که بر فیلسوفان لازم است که به این دو نقش بازیگری و تماشاگری، در درون و برون هم فلسفه و هم



جدال دراماتیک قانون و عدالت در کری تومی افلاطون

عبدالرسول حسنی فر^۱، سیدمحسن علوی پور^۲

چکیده

تأثیر حیات فکری و جسمی و در نهایت مرگ سقراط در تاریخ تفکر، همواره نقطه عطف و محل تأمل بسیاری از اندیشمندان بوده و هست بطوری که سقراط را جزو معدود اندیشمندان میدانند که تلازم و هم پیوندی نظر و عمل را بخوبی نشان داده است. گزاره‌های اخلاقی سقراطی در وجه عملی در زندگی او ظهور یافته و چالشهایی را برانگیخته که امروزه مهمترین مسائل سیاسی - اجتماعی جهان و جامعه ما هستند.

تبعیت از قوانین و حکم حکومت و نسبت آن با عدالت از جمله چالشهای بنیادین و مسئله‌ی زنده در اندیشه سیاسی است که سقراط در «همپرسه کریتو» آن را در وجهی دراماتیک مورد سنجش و آزمون قرار داده است. نوشتار حاضر با تمرکز بر این اثر، تلاش مینماید با تحلیل سویه‌های مختلف آن، جدال دراماتیک قانون و عدالت را مورد بررسی قرار دهد و با روشی (تحلیلی) به بررسی این مسئله میپردازد که قربانی شدن در پای قانون، حتی اگر غیر عادلانه و به ارزش جان انسان باشد، با عدالت چه نسبتی دارد.

۸۱

کلیدواژه‌ها: قانون، عدالت، سقراط، افلاطون کریتو، جدال دراماتیک

* * *

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول): hasanifar@lihu.usb.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: alavipour@ihcs.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۶/۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۶



نقش مسیحیت در بازگشت فلسفه یونانی به ایران عصر ساسانی

زهرا عبدی*

چکیده

موضوع نوشتار حاضر نقش مسیحیت در انتقال علوم یونانی بخصوص فلسفه به ایران عصر ساسانی است. دین مسیحی در ابتدا شکلی برادرانه و تعاون‌گونه داشت و بعدها بود که معلمین و قدسین مسیحی جهت تثبیت و تعلم خدانشناسی ناچار به استفاده از یک دستگاه فلسفی شدند که آن را از آراء فیلسوفان یونانی یعنی افلاطون، ارسطو و پیروان آنها نظیر نوافلاطونیان اقتباس کردند. بدعت‌هایی نظیر نستوری، منوفیزیت و... نیز که در مسیحیت پدید آمدند با تکیه بر آراء فلسفی، خدانشناسی نظری خود را تعلیم دادند. همچنین مسیحیان سریانی زبان حوزه بین‌النهرین که اغلب نستوری بودند، در مدارس خود آثار افلاطون و ارسطو و نوافلاطونیان را به سریانی ترجمه میکردند تا ضمن آموزش فلسفه در حوزه دینی از آن استفاده کنند. مهاجرت این جمعیتها به ایران بر اثر پناهندگی یا اسارت باعث انتقال علوم یونانی به ایران شد. نوشتار حاضر به استناد منابع کتابخانه‌یی و به روش توصیفی - تحلیلی این مباحث را مورد بررسی قرار داده است.

۱۰۱

کلیدواژه‌ها: مسیحیت، ایران، ساسانیان، علوم یونانی، فلسفه، فلسفه نوافلاطونی

* * *

* دکترای تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شیراز؛ abdi.zahra@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶۲/۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۳۰

سال هشتم، شماره اول

تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۱۰۱-۱۲۰



تطور تاریخی نگرشها در مسئله عوارض ذاتی از ملاصدرا تا محقق رشتی (۱۰۵۰ تا ۱۳۱۲ ه.ق)

موسی ملایری*

چکیده

نوشتار حاضر به یکی از مهمترین و پیچیدهترین مسائل علم‌شناسانه حکیمان مسلمان یعنی تعیین مصادیق و قلمرو عوارض ذاتی میپردازد. پرسش این نوشتار آن است که آیا عوارض بواسطه اخص عرض ذاتی بشمار می‌آیند یا نه؟ در این مطالعه تاریخی، تطور نظریه‌ها پیرامون حل و فصل این مسئله در طی سه قرن بررسی میشود و راه‌حلهای چهار تن از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این دوره تاریخی، نخست گزارش شده و سپس مورد ارزیابی قرار میگیرد. در آغاز، راه حل ملاصدرا مبنی بر لزوم تمایز نهادن میان عارض اخص و عارض بواسطه اخص بررسی میشود، پس از او آقا حسین خوانساری دومین شخصیت این دوره است. وی پس از نقد نظریه ملاصدرا و اذعان به قصور آن در حل مشکل، خود، نظریه استحسان و مواضعه در قلمروشناسی و مرزبندی علوم را عرضه میکند. پس از این دو حکیم، ملامهدی نراقی، اگرچه بخشی از نظر ملاصدرا را میپذیرد، اما زوایای باقیمانده از مشکل را به شیوهی دیگر حل و فصل میکند. شیوه نراقی مستلزم غربالگری علوم و خارج کردن برخی مسائل از حیطه هریک از علوم محقق است. آخرین شخصیت این دوره، اصولی پرتوان، میرزا حبیب‌الله رشتی است که با تعمق و ژرفنگری به غنای این بحث و دقت زبان فنی آن افزوده است. او اگرچه از

۱۲۱

* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ malayeri50@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۴/۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲



سال هشتم، شماره اول

تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۱۲۱-۱۴۸

گفته‌های دیگران بهره برده، اما راه‌حل هیچیک از حکیمان پیشین را به‌تمامه نمیپذیرد. نظر محقق رشتی معتقد است که دانشمندان هر علم جایزند در دانش خود از مسائل علوم بالادستی و پایین‌دستی بحث کنند؛ البته مادامی که علمی برای بررسی آن مسائل در بالادست و پایین‌دست تدوین نشده باشد. این شیوه (چنانکه بیان خواهد شد) با نگاه پسینی - تاریخی به تدوین علوم، بسیار سازگار و منطبق است.

کلیدواژه‌ها: عوارض بواسطه اخص، علم‌شناسی حکیمان مسلمان، ملاملاصدرا، ملامهدی نراقی، آقاحسین خوانساری، میرزا حبیب‌الله رشتی

* * *

مقدمه

ملاصدرا از میان مباحث متنوع علم‌شناختی در حکمت اسلامی، بیش از هر مسئله دیگر به مشکل عوارض اخص پرداخته است. بیان اجمالی این مشکل چنین است که علم‌شناسان هنگام تحدید و تعیین قلمرو مباحث هر علم میگویند: در هر علم فقط باید پیرامون عوارض ذاتیه موضوع همان علم بحث و پژوهش صورت گیرد. پیرامون چیستی عوارض ذاتی، گفتگوهای فراوانی شده و تعاریف متعددی پدید آمده است. عمده بحثها بر سر تعیین قلمرو اعراض ذاتی، صورت گرفته و اینکه آیا عوارض بواسطه اعم و یا اخص را میتوان عرض ذاتی دانست؟ پاسخ به این سؤال خود محل بحث در نوشتار حاضر است، اما در اینجا برای شروع بحث بنای گفتگو را بر یکی از تعاریف عرض ذاتی میگذاریم که با محتوای این نوشتار سازگارتر است. بر اساس آن، عوارض ذاتیه را محمولات و اوصافی دانسته‌اند که بیواسطه، وصف حقیقی یک موضوع باشند. قید بیواسطه دو دسته عوارض را خارج میکند: یکی عوارض بواسطه اعم و دیگری عوارض بواسطه اخص. این تعریفی است که مقبول ملاصدرا و جمعی دیگر قرار گرفته است.^(۱) پیشینیان عوارض ذاتی را به دو دسته تقسیم میکردند: عرض ذاتی اولی که بیواسطه بود و عرض ذاتی غیراولی که واسطه (اعم یا اخص) داشت؛ اما چنانکه بتفصیل خواهیم گفت، در این دوره تاریخی، بلکه از قطب رازی به بعد این تقسیم پذیرفته نمیشود.



نسبت میان زبان و واقعیت در افلاطون

قرآتی از کراتولوس افلاطون در پروتوتیمهای سه‌گانه جمهوری

حسن فتحی^۱، ابوبکر سلیمان‌پور^۲

چکیده

پیش از افلاطون مسئله زبان برای متفکرانی که با آن روبرو بودند همچون پدیده‌ی دوگانه متجلی میشد؛ پدیده‌ی که از منظر اسطوره‌ی یک امر مرموز و رازگونه بود که رابط میان خدایان و انسان بود و از منظری دیگر گونه‌ی قانون برای آشکارگی حقیقت. برای هراکلیتوس زبان جنبه‌ی رازورزانه همچون لوگوس داشت که بیشتر پدیداری برای اشاره به حقیقت بود تا ابزاری برای توضیح و تشریح آن. از سویی دیگر، زبان برای پارمنیدس زبان پدیداری فرینده بود که حاصل گونه‌ی قرارداد اجتماعی بود و مسئله‌ی از جهان محسوس که بخودی‌خود دارای ارزش چندانی نیست. سوفسطائیان نیز زبان را پدیده‌ی قراردادی و نسبی میدانستند که جز ابزاری برای سخنوری نبود و درخود هیچ حقیقت مطلقى دربرنداشت. افلاطون با توجه به این پیش‌زمینه تاریخی، کار خود را آغاز کرد و در این آبخور به بررسی مسئله زبان پرداخت و در کراتولوس دیدگاهی را پروراند که جامع و مکمل این پیشینه تاریخی بود. زبان، برای افلاطون، پدیده‌ی فرینده و ناقص است؛ پدیده‌ی که وی در

۱۴۹

۱. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز؛ fathi@tabrizu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد فلسفه دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)؛ aria.farhang@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۱ تاریخ تأیید: ۹۶/۵/۱۹



کراتولوس آن را، با توجه به ذات زبان و نسبت آن با واقعیت مورد بررسی قرار می‌دهد. از آنجایی که زبان، برای افلاطون، امری مصنوع است، ذاتاً ناقص است و به همین دلیل نمیتواند شناختی از واقعیت بدست بدهد؛ تنها کاری که زبان میتواند و باید بکند این است که هرچه صحیحتر واقعیت را بازنمایی کند و تا حد ممکن در این کارکرد صحیح و نزدیک به واقعیت باشد. زبان تابع واقعیت است و از نظر هستی‌شناختی متأخر از آن است و تنها از نظر تعلیمی است که بطور موقتی بر آن تقدم زمانی دارد. بعبارت دیگر، از زبان به شناخت نمیتوان دست یافت، چون زبان پدیداری مصنوع است که در بهترین حالت تنها میتواند بطور ناقص واقعیت را بازنمایی کند.

کلیدواژه‌ها: افلاطون، زبان، واقعیت، نامها، کراتولوس، جمهوری، تمثیل

* * *

مقدمه

مسئله‌یی که افلاطون در کراتولوس با آن روبرو بود، مسئله تازه‌یی نبود، بلکه بسیار پیشتر از او و از زمان پیشاسقراطیان همواره رابطه میان زبان و واقعیت مسئله‌یی حائز اهمیت بود. به همین دلیل است که باید ریشه‌های مباحث کراتولوس را نزد هراکلیتوس، پارمنیدس و سوفسطائیان جستجو کرد. هراکلیتوس نسبت میان زبان و واقعیت را نسبتی طبیعی میدانست که توسط قانون قوام‌بخش «لوگوس»^(۱) کنترل میشود. از نظر وی این قانون الهی، حد و اندازه هر چیزی را کنترل میکند و بر تمامی پدیدارهای جهان، از جمله زبان، حاکم است. اما هراکلیتوس به زبان همچون پدیده‌یی متعارف نمینگریست بلکه زبان برای او بیشتر جنبه‌یی رازورزانه همچون «لوگوس» داشت و دارای قدرتی بود که سایر پدیدارها در آن به گونه‌یی آشکارگی دست مییافتند؛ ازاینرو زبان برای وی بیشتر پدیداری برای اشاره بود تا پدیداری برای توضیح و تشریح. در مقابل، پارمنیدس زبان را از اساس پدیداری مخلوق دست آدمی میدانست که محصول قرارداد اجتماعی است و به همین دلیل او هیچگاه به زبان اعتماد نمیکرد و آن را پدیداری فریبنده همچون سایر پدیدارهای جهان محسوس میدانست که نه تنها راهی به حقیقت ندارد بلکه آن را پنهان نیز میکند. بعبارت دیگر، از نظر وی زبان پدیداری در عرصه راه میرندگان بود و به



reality. He maintains that, since language is an artificial entity, it is essentially imperfect and, hence, incapable of providing any knowledge regarding reality. He believes that language can only be used to reflect the reality as accurately as possible, is ontologically posterior to reality, and is only temporally prior to it in terms of its instructional feature. In other words, according to Plato, one cannot attain knowledge through language because it is an artificial phenomenon which, at its best, can manifest the reality in an imperfect form.

Key Terms

Plato
names
Republic

reality
Cratylus
allegory



The Relationship between Language and Reality in Plato: An Interpretation of Plato's *Cratylus* in the Light of the Three Allegories in *Republic*

Hassan Fathi¹, and Abubakr Soleimanpour²

Before Plato, the thinkers dealing with the problem of language viewed it as a dual phenomenon. In Aristotle's eyes, language is a mysterious entity which functions not only as a link connecting the gods and human beings but also as a body of laws for revealing the truth. For Heraclitus, language enjoys a code-like aspect similar to *logos*, which is mainly a phenomenon referring to the truth rather than a tool for explaining and analyzing it. On the other hand, for Parmenides, language is a deceptive phenomenon which is the product of a kind of social contract as well as a problem in the sensible world which, by itself, is not of much value. Sophists also consider language to be an arbitrary and relative phenomenon which merely functions as a medium of speech and entails no absolute truth by itself. Given this historical background, Plato set out to explore the problem of language. He developed a view in *Cratylus* which completed the mentioned historical background. For him, language is a deceptive and imperfect phenomenon; a phenomenon which he investigated in *Cratylus* based on its essence and its relationship with

15

-
1. Associate Professor, Philosophy Department, Tabriz University, Tabriz, Iran, fathi@tabrizu.ac.ir
 2. MA in Philosophy (corresponding author), Tabriz University, Tabriz, Iran, aria.farhang@gmail.com



on the last character of this period, Mirza Habibullah Rashti. He was a capable fundamentalist who enriched this discussion more than ever before in the light of his own profound insight and increased the accuracy of the technical language used to describe the problem. Although he benefitted from the words of other thinkers, he did not accept the solution of any of the preceding philosophers in its totality. He believed that the scholars working in each field are allowed to discuss the related scientific problems within the borderlines of their own knowledge as long as no specific sciences have been devised for investigating them. This view, as explained in the body of the paper, is quite compatible with the apriori-historical approach to the development of various disciplines.

Key Terms

accidents through the particular
Muslim philosophers' epistemology
Mulla Sadra
Aqa Hossein Khwansari

Mulla Mehdi Naraq
Mirza Habibullah Rashti



Historical Development of Approaches to the Problem of Essential Accidents: From Mulla Sadra to Muhaqqiq Rashti

*Musa Malayeri**

The present paper deals with one of the most important and complicated epistemological problems targeted by Muslim philosophers, that is, determining the referents and realm of essential accidents. The main question here is whether accidents are considered to be essential through the more particular. In this historical study, the writer examines the development of the various theories regarding this problem over three centuries (1050-1312 AH) and then reports and evaluates the solutions suggested by four of the most prominent theoreticians of this historical period. To this end, he initially explores Mulla Sadra's solution, which is based on the necessity of distinguishing between particular accidents and accidents through the more particular. Then he discusses the view of Hossein Khwansari, who, after criticizing Mulla Sadra's theory and acknowledging its weakness in solving the problem, presents his own theory of juristic preference and consensus in determining territories and setting boundaries between sciences. Later the writer deals with the views of Mulla Mehdi Naraqī, who accepts a part of Mulla Sadra's theory but solves some parts of the problem using a different method. Naraqī's method necessitates the screening of sciences and extracting some problems from the domains of related sciences. Finally, the writer focuses

13

* Associate Professor, Philosophy Department, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran, Malayeri50@yahoo.com

Role of Christianity in the Return of Greek Philosophy to the Sassanid Iran

*Zahra Abdi**

The present paper explores the role of Christianity in the transfer of Greek sciences, particularly philosophy, to Iran during the Sassanid period. Initially, Christianity enjoyed a brotherly and cooperative nature; however, later, in order to consolidate the status of theology and teaching it, Christian teachers and saints had to use a philosophical system, which they adapted from Greek philosophers, including Plato, Aristotle, and their followers, such as neo-Platonists. Some innovative branches of Christianity such as Monophysites and Nestorians began teaching their theoretical theology based on certain philosophical ideas. Moreover, the Syriac-speaking Christians of Mesopotamia, who were mainly Nestorian, translated the works of Plato, Aristotle, and neo-Platonists into Syriac in their schools so that, while teaching philosophy, they could use them in their own religious field. The emigration of these groups to Iran, whether as refugees or captives, resulted in the transfer of Greek sciences to Iran. In this paper, the writer has discussed the above issues based on library resources and following the descriptive-analytic method.

12

Key Terms

Christianity
the Sassanid
philosophy

Iran
Greek sciences
neo-Platonic philosophy

* PhD in History of Islamic Iran, Shiraz University, Shiraz, Iran,
abdi.zahra58@gmail.com



Dramatic Conflict between Law and Justice in Plato's *Crito*

Abdulrasul Hassanifar¹, and Seyyed Mohsen Alavipour²

The influence of the philosophical and physical life and, ultimately, death of Socrates over the history of philosophy is a turning point and a topic of deliberation for many thinkers. He is believed to be one of the few thinkers who has clearly demonstrated the concomitance and unity of theory and act. Socrates' ethical propositions, which are clearly manifest in the practical aspects of his life, have promoted a number of challenges that are presently among the most important socio-political problems of our society and the world. One of such challenges and living problems in political thought is obeying the law and state decrees and its relationship with justice. This problem has been dramatically evaluated and tested by Socrates in the dialogue of *Crito*. While focusing on this work, in the present paper the writers aim to explore the dramatic conflict between law and justice through analyzing its various aspects. In fact, following a hermeneutic method, they inquire about the relationship between the law and justice even when the former is unfair and costs the life of human beings.

Key Terms

law
Socrates
Crito

justice
Plato

11

-
1. Assistant Professor, Political Science Department (corresponding author), Sistan and Baluchestan University, Sistan and Baluchestan, Iran, hasanifar@lihu.usb.ac.ir
 2. Assistant Professor, Political Science Department, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, alavipour@ihcs.ac.ir



سال هشتم، شماره اول
تابستان ۱۳۹۶

desirability of this field of knowledge. Finally, it appears that the philosophy of history of philosophy can be considered to be a branch of related philosophical fields, and it can even be offered as a new course at universities.

Key Terms

history of philosophy

a philosophical view of history of philosophy

philosophy of history of philosophy

necessity

problems

possibility

desirability



An Introduction to the Philosophy of History of Philosophy

*Masoud Omid**

Although the discipline of history of philosophy and the related questions existed in the past, they have greatly occupied the minds of philosophers during the last two centuries. Some of the important questions in the field of the history of philosophy include the following: what is the meaning and nature of history of philosophy? What is its station of confirmation and demonstration? Is history of philosophy a perfect field or it is still in the process of development and expansion? What is the relationship between us and history of philosophy or what should it be like? Is this field the same as history or philosophy or of the type of philosophy? What is the difference between the history of philosophy and the history of science, religion, art, or the like? Due to the increasing attention to the problems related to the history of philosophy (in Iran and in the world), the present paper is intended to deal with some issues in relation to history of philosophy while discussing it in a framework entitled the philosophy of history of philosophy. In the past, philosophers referred to the theoretical philosophy of history and the philosophy of the science of history; however, it seems that it is now the right time to discuss the philosophy of the history of philosophy. The most fundamental themes which are propounded in this paper regarding this field include the place of philosophy of history of philosophy in various schools of philosophy and the possibility, necessity, and

9

* Associate Professor, Philosophy Department, Tabriz University, Tabriz, Iran,
Masoud_omid1345@yahoo.com



ultimately, have a brief and comparative study of such roles in Sadrian philosophy.

Key Terms

Ibn Abi Jumhur Ihsa'ei
comparative approach
Isfahan school

Mulla Sadra
Hillah school

8

سال هشتم، شماره اول
تابستان ۱۳۹۶



A Comparative Approach to Epistemological Sources: From Hillah School (Ibn Abi Jumhur Ihsa'ei) to Isfahan School (Mulla Sadra)

Reza Rezazadeh¹, and Somayyeh Monfared²

Ibn Abi Jumhur Ihsa'ei (838 AH) adopted a comparative approach under the influence of Hillah philosophical-*kalam* school in order to reconcile *kalam* (Mu'tazilite and Ash'arite), philosophy (Peripatetic and Illuminationist), and Sufism. In this way, he created a distinct methodology which, after about two centuries, joined the philosophical school of Isfahan. The main purpose of this study is to investigate the similarities and differences between the achievements of three epistemological sources, namely, the intellect, unveiling and revelation, at the heart of the *Shi'ite* rational philosophical trends, on the one hand, and the extension of this endeavor to the school of Isfahan (with an explicit emphasis on Sadrian philosophy), on the other hand. In doing so, the authors have initially tried to examine the roles of revelation, heart, and intellect as three important sources in Ihsa'ei's epistemology and,

7

-
1. Assistant Professor, Islamic Philosophy and *Kalam* Department (corresponding author), Ilam University, Ilam, Iran, rezakashany@gmail.com
 2. PhD candidate of Islamic Philosophy and *Kalam*, Ilam University, Ilam, Iran, somayehmonfared23@gmail.com

view of philosophers because it refers to vacuum. Finally, more recent philosophers interpret place as volume.

Key Terms

immaterial dimension
imagined vacuum
abstracted volume

created dimension
imaginary dimension

6

سال هشتم، شماره اول
تابستان ۱۳۹۶



Nature of Place in the History of Islamic Philosophy

*Abdulrassoul Oboudiat**

Place enjoys some specific characteristics which are accepted by all thinkers; for example, place is the receptacle of the emplaced; the emplaced occupies place; it is impossible for two emplaced things to exist at the same time in the same place; the emplaced can seek for a place or leave it through motion; place can be divided into smaller places, etc. Accordingly, the existence of place in the outside is considered to be evident, and if there are any disagreements, they pertain to the nature of place. Now, the question is which entity possesses the above-mentioned characteristics. There are certain views which are clearly inconsistent with some of these features and are, therefore, rejected; for example, the place of a thing is the same as its matter or form. Regarding this issue, Aristotle's view is more acceptable than others and has been confirmed by Farabi and Ibn Sina. They believe that place is the internal surface of the container which is tangent with the external surface of the contained. The next view which is supported by some well-known philosophers indicates that place is the immaterial dimension. However, the idea of some *mutikallimun* entailing that "place is the same imagined vacuum" is rejected in the

5

* Professor of Islamic Philosophy and *Kalam*, The Imam Khomeini Educational Research Institute, Qom, Iran, a.oboudiat@gmail.com



Contents

Nature of Place in the History of Islamic Philosophy
Abdulrassoul Oboudiat..... 5

**A Comparative Approach to Epistemological Sources:
From Hillah School (Ibn Abi Jumah Ihsa'ei) to Isfahan
School (Mulla Sadra)**

Reza Rezazadeh, and Somayyeh Monfared 7

**An Introduction to the Philosophy of History of
Philosophy**

Masoud Omid 9

**Dramatic Conflict between Law and Justice in Plato's
*Crito***

Abdulrasul Hassanifar, and Seyyed Mohsen Alavipour.... 11

**Role of Christianity in the Return of Greek Philosophy
to the Sassanid Iran**

Zahra Abdi..... 12

**Historical Development of Approaches to the Problem
of Essential Accidents: From Mulla Sadra to Muhaqqiq
Rashti**

Musa Malayeri 13

**The Relationship between Language and Reality in
Plato: An Interpretation of Plato's *Cratylus* in the Light
of the Three Allegories in *Republic***

Hassan Fathi, and Abubakr Soleimanpour 15



﴿ He is the Wise, the Omniscient ﴾

History of Philosophy

Journal of the International Society of the History of Philosophy



Volume 8, Number 1, Issue 29, September 2017

Publisher: Sadra Islamic Philosophy Research Institute
Director: Professor Seyyed Mohammed Khamenei
Editor-in-chief: Professor Hossein Kalbasi Ashtari
Administrative Manager: Jaleh Shamsollahi

Editorial Board:

Prof. Karim Mojtabedi, *University of Tehran*
Prof. Fathullah Mojtabaei, *University of Tehran*
Prof. Reza Dawari Ardakani, *University of Tehran*
Prof. Nasrullah Hekmat, *Shahid Beheshti University*
Prof. Ahad Faramarz Qaramaleki, *University of Tehran*
Prof. Hamidreza Ayatollahy, *Allameh Tabataba'i University*
Prof. Hossein Kalbasi Ashtari, *Allameh Tabataba'i University*
Prof. Muhammed Taqi Rashed Mohassel, *University of Tehran*
Prof. Seyyed Mostafa Mohaqqiq Damad, *Shahid Beheshti University*
Prof. Abdurrazzaq Hesamifar, *Imam Khomeini International University*

English Translator: *Dr. Roya Khoii*
English Editor: *Dr. Ali Naqi Baqershahi*
Persian Editor: *Fatemeh Mohammad*

Address: Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Highway, Tehran, Iran.

P.O. Box: 15875, 6919

Telephone: (+98 21) 88153210, 88153594 **Fax:** (+98 21) 88493803

Email: SIPRIn@mullasadra.org

Site: www.mullasadra.org
hop.mullasadra.org

ISSN: 2008-9589

According to certificate Number 3/18/54733 issued on July 10, 2013 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *History of Philosophy* has a Scientific-research degree.

It is indexed in the following centers: Islamic World Science Citation Center (ISC), Philosopher's Index